

## تحلیل گفتمان چیست؟

دکتر احمد یحیایی ایله ای



### ۱- مقدمه : تحلیل گفتمان و تحلیل ارتباطات

تحلیل گفتمان یا Discourse Analysis که امروزه به گرایشی بین رشته ای interdisciplinary در علوم اجتماعی تبدیل شده است ریشه در جنبش انتقادی ادبیات ، زبانشناسی (نشانه شناسی) تاویل گرایی ، هرمنوتیک گادامر و تبار شناسی و دیرینه شناسی میشل فوکو دارد.

بنیان های فکری تحلیل گفتمان فراتر از تحلیل متن یا نوشتار ( text analysis ) یا تحلیل گفتار است. گفتمان مجموعه ای از گزاره هایی است که یک مفهوم کلی را در بر می گیرد. همچنین در تحلیل گفتمان فراتر از دیدگاه هارولد لاسول درباره تحلیل فرستنده ، تحلیل پیام ، تحلیل وسیله و تحلیل گیرنده (به طور مجزا) بحث می شود.

تحلیل گفتمان در هرمنوتیک باریشه های روانشناختی از دیدگاه شلاپر ماکر و باریشه های جامعه شناختی از نظریات گادامر بهره می گیرد. اساس هرمنوتیک گادامر تاکید دارد که مهنای متن می تواند مستقل از آگاهی فردی وجود داشته باشد. او معتقد به نظریه استقلال معنای ذاتی semantic autonomy است.

در نظرات میشل فوکو ( که می توان از او به عنوان بنیانگذار تحلیل گفتمان یاد کرد) تاکید بر این است که رابطه ای تعاملی بین text و زمینه context وجود دارد . همچنین رابطه ای تعاملی و دیالکتیکی بین ” گفتمان ، قدرت ، معرفت و حقیقت ” وجود دارد. مهمتریت دستاورد فوکو را تحلیل روابط قدرت و معرفت می دانند.

در تحلیل گفتمان مجموعه شرایط اجتماعی ، زمینه وقوع متن یا نوشتار ، گفتار ، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه ها در گزاره ای کلی نگرسته می شود.

واژه ها هر کدام به تنهایی مفهوم خاص خود را دارا هستند اما در شرایط وقوع و در اذهان گوناگون معانی متفاوتی دارند. انتقال ، دریافت و تاثیرگذاری متفاوت و گوناگونی در پی دارند . بطور مثال رستگاری برای یک انسان دیندار مسیحی معنایی متفاوت از رستگاری برای یک انسان آزادیخواه دارد. در ارتباطات نظریه های تحلیل عناصر ارتباطی هارولد لاسول ، نظریه معنای دیدید برلو و نظریه تنوع پیام ( پیامهای برداشتی ، ارسالی ، دریافتی ، ادراکی و اصلی ) می تواند ارتباطی نسبی با تحلیل

گفتمان (text) سرو کار نداریم ، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن ، یعنی بافت موقعیتی ( context of situation) ، فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی ، ارتباطی و غیره سرو کار داریم . بنابراین ، تحلیل گفتمان « چگونگی تبلور و شکل گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی [ زمینه متن ] واحدهای زبانی ، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی ( عوامل برون زبانی [ زمینه ی اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی و ارتباطی و موقعیتی ] بررسی می کند .

البته زلیک هریس آن را در معنای وسیعی به کار گرفته است . او معتقد است بحث در باره گفتمان را از دو بعد می توان سامان داد : اول بسط رویه ها و روش هاس معمول در زبان شناسی توصیفی و کار برد آن ها در سطح فراجمله ( متن ) و دوم رابطه ی بین اطلاعات زبانی و غیر زبانی مانند رابطه ای زبان و فرهنگ و محیط و اجتماع . در بعد اول صرفا اطلاعات زبانی مد نظر است ، ولی در بعد دوم اطلاعات غیر زبانی مثل فرهنگ و محیط و اجتماع که خارج از حیطه ی زبان شناسی است مد نظر قرار می گیرد . یول و براون در تعریف تحلیل گفتمان می نویسند : « تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است ، در این صورت نمی تواند منحصر به توصیف صورت های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت ها برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده اند . » شیفرین و استابز نیز با تکیه بر گستره ی فراجمله ای تحلیل گفتمان آن را چنین تعریف می کنند ، تحلیل گفتمان ، « می کوشد تا نظام و آرایش فراجمله ای عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار بدهد و بنابراین واحدهای زبانی نظیر تبادلات مکالمه ای یا متون نوشتاری را مورد بررسی قرار می دهد . براین اساس سخن کاوی [ تحلیل گفتمان ] با کاربرد زبان در زمینه های اجتماعی به ویژه با تعاملات یا مکالمات میان گویندگان سرو کار دارد . » مجموع چند تعریفی که از تحلیل گفتمان در اینجا آمده بیانگر آن است که زبان شناسان در بحث از تحلیل گفتمان دو دیدگاه را مطرح می کنند : نخست ، دیدگاهی که تحلیل گفتمان را بررسی و تحلیل واحدهای بزرگتر از جمله تعریف می کند ، و دوم دید گاهی که تحلیل گفتمان را تمرکز خاص بر چرایی و چگونگی استفاده از زبان می داند . دیدگاه اول را که به شکل و صورت متن توجه

گفتمان داشته باشد. اگر چه می توان گفت : تحلیل گفتمان برجسته ترین روش تحلیل ارتباطات است .

### ۱- تحلیل گفتمان چیست ؟

« تحلیل گفتمان ( discourse analysis ) که در زبان فارسی به «سخن کاوی»، « تحلیل کلام » و « تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است ، یک گرایش مطالعاتی بین رشته ای است که از اواسط دهه ی ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ی ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده ی علمی- معرفتی در رشته هایی چون انسان شناسی ، قوم نگاری، جامعه شناسی خرد ، روان شناسی ادراکی و اجتماعی ، شعر ، معانی بیان ، زبان شناسی ، نشانه شناسی و سایر رشته های علوم اجتماعی و انسانی علاقه مند به مطالعات نظام مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است . این گرایش ، به دلیل بین رشته ای بودن ، خیلی زود ، به عنوان یکی از روش های کیفی در حوزه های مختلف علوم سیاسی ، علوم اجتماعی ، ارتباطات و زبان شناسی انتقادی مورد استقبال واقع شد .

اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله ای از زبان شناس معروف انگلیسی زلیک هریس به کار رفته است . زلیک هریس در این مقاله دیدی صورت گرایانه از جمله به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفا نگاهی صورت گرایانه ( و ساختار گرایانه ) به جمله و متن برشمرد . بعد از هریس ، بسیاری از زبان شناسان تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته اند . به اعتقاد این عده تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری - مانند گفت و گو ها ، مصاحبه ها و سخنرانی ها - و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری - مانند مقاله ها ، داستان ها ، گزارش ها و غیره - است . دیری نگذشت که بعضی از زبان شناسان مفهوم را در معنای متفاوتی به کاربردند . دسته ی اخیر معتقد بودند که تحلیل گفتمان بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می پردازد . به عبارت دیگر تحلیل گفتمان نزد این عده عبارت بود از شناخت رابطه ی جمله ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی که نتیجه ی این روابط است . مطابق این تعریف ، در تحلیل گفتمان ، برخلاف تحلیل های سنتی زبان شناسانه ، دیگر صرفا با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده ی جمله به عنوان عمده ترین مبنای تشریح معنا ، یعنی زمینه ی متن ( CO-



می‌کند ساختار گرا و دیدگاه دوم را که به کارکرد متن توجه دارد کارکرد گرا نامیده‌اند. اولی گفتمان را واحد مشخصی از زبان می‌داند که بزرگتر از جمله است و تحلیل گفتمان را تحلیل و بررسی این واحدها برمی‌شمرد؛ دومی تحلیل گفتمان را مطالعه‌ی جنبه‌های مختلف چگونگی استفاده از زبان می‌داند که بر روی کارکردهای واحدهای زبانی متمرکز است. این عده اعمال و کردار مردم و همچنین مقاصد معینی را که آنها در به کارگیری زبان بدان توجه دارند مد نظر قرار داده و سعی می‌کنند معانی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، ارتباطی و موقعیتی آن‌ها را بشناسند. تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی متوقف نماند. در مدت نسبتاً کوتاهی (نزدیک به دو دهه) این گرایش از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی، به همت متفکرانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا، میشل پشو و دیگر متفکران برجسته‌ی مغرب‌زمین وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت. این متفکران که تحلیل گفتمان را بیشتر در قالب تحلیل انتقادی گفتمان (critical discourse analysis) بسط و گسترش دادند خود و مدار مکتب انتقادی

تواند گفته یا در باره اش فکر شود، بلکه درباره‌ی این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند. گفتمان‌ها مجسم‌کننده‌ی معنا و ارتباط اجتماعی است؛ شکل‌دهنده‌ی ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی-سیاسی (قدرت) است. در نظر فوکو گفتمان‌ها همچنین اعمالی هستند که به طور سیستماتیک موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند. گفتمان‌ها درباره‌ی موضوعات صحبت نکرده هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند بلکه سازنده‌ی موضوعات‌اند و در فرآیند این سازندگی مداخله‌ی خود را پنهان می‌کنند» (۱).

## ۲- پیش‌فرضها و انگارش‌های Assumption تحلیل گفتمان

«پیش‌فرضها و مفروضات تحلیل گفتمان که از برآیند قواعد تحلیل متن، هرمنوتیک، نشانه‌شناسی، مکتب انتقادی، مکتب واسازی، روانکاوی مدرن و دیدگاه فوکو در دیرینه‌شناسی و تبارشناسی شکل گرفته، عبارت است از: ۱- متن یا گفتار واحد توسط انسانهای مختلف،

فرانکفورت و وارثان مستقیم و غیر مستقیم آن در دهه‌ی ۱۹۶۰- مارکسیست‌های جدید، به ویژه گرامشی و پیروانش، ساختارگرایانی چون آلتوسر و محققان مکتب فمینیسم - بودند. مفهوم گفتمان، امروزه به صورت یکی از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در تفکر فلسفی، اجتماعی، و سیاسی و ارتباطی مغرب‌زمین درآمده و با مفاهیمی چون سلطه، زور، قدرت، مهاجرت، نژاد پرستی، تبعیض جنسی، نابرابری قومی و غیره عجین گشته است. اکنون، و به همین جهت، معنای آن با آن چه صرفاً در زبان‌شناسی مد نظر بود تغییر کرده است؛ هرچند این تغییر در امتداد مسیر معنای اولیه‌ی آن قرار دارد. مفهوم گفتمان و تحلیل انتقادی آن اینک با نام فوکر همراه شده است. به نظر فوکر گفتمان‌ها تشکیل شده از علامات‌اند. اما کارکردشان از کاربرد این علامات، برای نشان دادن و برگزیدن اشیاء بیشتر است و همین ویژگی است که آن‌ها را غیر قابل تقلیل به زبان، سخن و گفتار می‌کند. گفتمان امروزه بیانگر ویژه‌گی‌ها و خصوصیات تاریخی چیزهای گفته شده و چیزهایی است که ناگفته باقی می‌ماند. گفتمان‌ها نه تنها مربوط به چیزهایی است می

یک متن در بین نوشته های آن متن قرار دارد .  
۸- هر متنی در شرایط و مقعیت خاصی تولید می شود . از این رو رنگ خالق خود را همیشه به خود دارد .

۹- هر متنی به یک منبع قدرت یا اقتدار ( نه لزوما سیاسی ) مرتبط است .

۱۰-گفتمان سطوح و ابعاد متعدد دارد و یعنی نه یک سطح گفتمانی وجود دارد و نه یک نوع گفتمان" (۲).

### ۳- مهمترین اهداف تحلیل گفتمان

« با توجه به پیش فرض های ذکر شده مهمترین اهداف تحلیل گفتمان عبارتست از :

۱- نشان دادن رابطه بین نویسنده ، متن و خواننده

۲- روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن یعنی «جریان تولید گفتمان»

۳- شان دادن تاثیر بافت متن ( واحدهای زبانی ، محیط بلافصل مربوطه و کل نظام زبانی ) و بافت موقعیتی ( عوامل اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی ، تاریخی و شناختی ) بر روی گفتمان

۴- نشان دادن موقعیت و شرایط خاص تولید کننده گفتمان ( شرایط تولید گفتمان )

۵- نشان دادن بی ثباتی معنا؛ یعنی معنا همیشه در حال تغییر است ، هرگز کامل نیست و هیچ وقت بطور کامل درک نمی شود .

۶- آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی . تحلیل گفتمان از بدو پیدایش همواره در صدد بوده است تا نشان دهد که هیچ متن یا گفتار و نوشتاری بی طرف نیست بلکه به موقعیتی خاص وابسته است . این امر ممکن است کاملا ناآگاهانه و غیر عمدانه باشد.

۷- و هدف عمده تحلیل گفتمان این است که تکنیک و روش جدیدی را در مطالعه متون ، رسانه ها ، فرهنگ ها ، علوم ، سیاست ، اجتماع و ... بدست دهد . مبادی فکری این روش همان پیش فرضهای پسامدرن هستند» (۳) .

### ۴- سطوح گفتمان در علوم اجتماعی

« این تصویر حاوی نکاتی اساسی زیر است :  
الف - متن در درجه اول دارای کیفیتی است که خود بدان وابسته است . در داخل متن مجموعه ای از عناصر وجود دارند که نه تنها به یکدیگر مرتبط بوده بلکه کیفیتی را می سازند که بدان متن یا گفتمان می گویند .



متفاوت نگریسته می شود . یعنی انسانهای مختلف از متن واحد برداشت یکسان و واحدی ندارند . دالی متفاوت می تواند برای اشاره به مدلولی ظاهرا یکسان استفاده شود .

۲- خواندن ( برداشت و تفسیر از متن ) همیشه نادرست خواندن ( برداشت نادرست از متن ) است .

۳- متن را بایستی به عنوان ی کل معنا دار نگریست و این معنا لزوما در خود متن نیست .

۴- هیچ متن خنثی یا بی طرفی وجود ندارد ، متن ها بار ایدئولوژیک دارند .

۵- حقیقت همیشه در خطر است . درهر گفتمانی حقیقت نهفته است اما هیچ گفتمانی دارای تمامی حقیقت نیست .

۶- نحوه Syntax متن نیز معنا دار است ، چون که نحو دارای معانی اجتماعی و ایدئولوژیک است و این معانی در جای خود به عواملی که دال ها را می سازند - نظیر : رمزها ، بافت ها ، مشارکت ها و تاریخ مختلف - وابسته اند .

۷- معنا همانقدر که از متن Text ناشی مس شود ، از بافت یا زمینه اجتماعی و فرهنگی Context نیز تاثیر می پذیرد . معنا و پیام

## ۵- توصیف ، تفسیر و تبیین در تحلیل گفتمان الف : توصیف

« مجموعه ویژگی های صوری ای که در یک متن خاص یافت می شوند می توانند به عنوان انتخاب های خاصی از میان گزینه های ( برای مثال گزینه های مربوط به واژگان و دستور ) موجود در انواع گفتمان هایی تلقی شوند که متن از آن ها استفاده می کند . به منظور تفسیر ویژگی هایی که به صورت بالفعل در یک متن وجود دارند، معمولا مد نظر قرار دادن دیگر انتخاب های ممکن نیز ضروری است ؛ یعنی انتخاب از میان نظام های گزینه ای انواع گفتمان هایی که ویژگی های موجود از آنها اخذ شده اند . در نتیجه ، در تحلیل متون ، کانون توجه دائما بین آنچه در متن وجود دارد و نوع گفتمان یا انواع گفتمان هایی که متن از آنها استفاده می کند در نوسان است . این تغییر و جابجایی در بحث زیر بازتاب می یابد .

الف. واژگان

۱- کلمات واجد کدام ارزشهای تجربی هستند ؟ ( برای اصطلاح شناسی به ذیل یادداشت رجوع کنید). در طبقه بندی آن ها از کدام طرح ها استفاده شده است ؟

آیا می توان از عبارت بندی دگر سان یا عبارت بندی افراطی سخن گفت ؟

چه نوع روابط معنایی ( هم معنایی ، شمول معنایی ، تضاد معنایی) به لحاظ ایده تولوژیک معنا دار بین کلمات وجود دارد ؟

۲- کلمات واجد کدام ارزشهای رابطه ای هستند ؟ آیا عباراتی وجود دارند که دال برحسن تعبیر باشند ؟ آیا کلاماتی وجود دارند که آشکارا رسمی یا محاوره ای باشند ؟

۳- کلمات واجد کدام ارزش های بیانی هستند ؟

۴- در کلمات از کدام استعاره ها استفاده شده است ؟

ب. دستور

۵- ویژگی های دستوری واجد کدام ارزشهای تجربی هستند ؟

چه نوع فرآیند ها و مشارکینی مسلط هستند ؟ آیا کنشگری نامشخص است ؟ آیا فرآیند ها همان هایی هستند که به نظر می رسند ؟ آیا از فرآیند اسم سازی استفاده شده است ؟

جملات معلوم هستند یا مجهول ؟

جملات مثبت هستند یا منفی ؟

۶- ویژگی های دستوری واجد کدام ارزش های

ب- متن یا گفتمان به مجموعه ای از عوامل بیرون متکی است . این عوامل هم در فرآیند تولید متن موثرند و هم در فرآیند تفسیر . به عبارت دیگر دومین مربع داخل تصویر شماره ۱ حاکی است که یک متن در چه فرآیند گسترده ای تولید و در عین حال تفسیر می شود . فرآیند تولید و تفسیر با همدیگر دارای کنش متقابلند و در نتیجه همدیگر را متاثر می سازند . ج - مربع سوم که بسیار گسترده و وسیع است و همه موارد فوق را در بر دارد نشانگر آن است که یک متن علاوه بر بافت متن و فرآیند و تفسیر متن شديدا متاثر از شرایط اجتماعی است که متن تولید و یا تفسیر می شود . بافت اجتماعی و فرهنگی ، تاثیر بسیار بیشتری نسبت به بافت متن و فرآیند تولید و تفسیر آن دارد . بنابر این تصویر شماره ۱ بیش از هر چیز نمایانگر سطوح گفتمان است . نورمن فرکلاف تحلیل گفتمان را در اینجا در سه سطح متفاوت به کار گرفت : سطح اول ، گفتمان به مثابه متن ، سطح دوم که وسیعتر از اولی است ، گفتمان به مثابه تعامل بین فرآیند تولید و تفسیر متن و سطح سوم که سطح کلان است ، گفتمان به مثابه زمینه است» (۴) .



هدف از مرحله ی تبیین، توصیف  
گفتمان به عنوان بخشی از یک  
فرآیند اجتماعی است؛ تبیین فتمان  
را به عنوان کنش اجتماعی توصیف  
می کند و نشان می دهد که چگونه  
ساختارهای اجتماعی، گفتمان را  
تعیین می بخشند

گفتمانی به پیش فرض های تبیین ناشده ی ماخوذ از عقل سلیم و مندرج در دانش زمینه ای و نوع گفتمان. به هر حال باید توجه داشت که مرحله ی تفسیر به خودی خود بیانگر روابط قدرت و سلطه و ایده ثولوژی های نهفته در پیش فرض های یاد شده، که کنش های گفتمانی معمول را به صحنه ی مبارزه ی اجتماعی تبدیل می کند نخواهد بود. به منظور تحقق چنین هدفی مرحله ی تبیین ضروری خواهد بود» (۶).

### ج: تبیین

«می توان از مرحله تفسیر به تبیین با توجه به این نکته گذر کرد که با بهره گرفتن از جنبه های گوناگون دانش زمینه ای به عنوان شیوه های تفسیری در تولید و تفسیر متون، دانش یاد شده بازتولید خواهد شد. این باز تولید برای مشارکین گفتمان پیامدی جانبی، ناخواسته و ناخود آگاه است؛ این امر در واقع به نوعی درمورد تولید و تفسیر نیز صدق می کند. باز تولید مراحل گوناگون تفسیر و تبیین را به یکدیگر پیوند می دهد زیرا در حالی که تفسیر چگونگی بهره جستن از دانش زمینه ای در پردازش گفتمان را مورد

رابطه ای هستند؟  
از کدام وجه ها ( خبری، پرسشی دستوری، امری ) استفاده شده است؟  
آیا ویژگی های مهم و جهیت رابطه ای وجود دارند؟  
آیا از ضمیرهای ما و شما استفاده شده است و اگر پاسخ مثبت است، نحوه ی استفاده از آنها چگونه بوده است؟  
۷- ویژگی های دستوری واحد کدام ارزشهای بیانی هستند؟

آیا ویژگی های مهم و جهیت بیانی موجودند؟  
۸- جملات ( ساده ) چگونه به یکدیگر متصل شده اند؟

از کدام کلامات ربطی منطقی استفاده شده است؟  
آیا جملات مرکب از مشخصه های همپایگی یا وابستگی برخوردارند؟

برای ارجاع به داخل و بیرون متن از چه ابزارهایی استفاده شده است؟

ج. ساخت های متنی

۹- از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟  
آیا روشهایی وجود دارند که به کمک آنها یک مشارک نوبت سخن گفتن دیگران را کنترل کند؟

۱۰- متن واجد چه نوع ساختهای گسترده تری است؟ (۵).

### ب: تفسیر

«سه پرسشی که می تواند در مورد هرگفتمان مطرح شود و در تحلیل خوانندگان نیز موثر باشد مختصراً عنوان کنیم.

۱- بافت یا زمینه: تفسیر (های) مشارکین گفتمان از بافت موقعیتی و بینامتنی چیست؟

۲- انواع گفتمان: چه نوعی (انواعی) از گفتمان مورد استفاده خواهد بود (و در نتیجه، کدامین قواعد، نظام و اصول در زمینه ی نظام آوایی، دستور، انسجام جمله ای، واژگان، نظام های معنایی یا کاربردی به کار گرفته می شود؛ و نیز کدام پی طرح ها، چارچوب ها و سناریو ها)؟

۳- تفاوت و تغییر: آیا پاسخ مشارکین متفاوت به دو پرسش ۱ و ۲ متفاوت خواهد بود؟ آیا این پاسخ ها در خلال تعامل آنان دستخوش تغییر خواهد شد؟

مرحله ی تفسیر تصحیح کننده ی این باور نادرست است که فاعلان در گفتمان مستقل هستند. این مرحله در حقیقت آن چه را که برای کشارکین امری تلویحی بوده به روشنی بیان می کند: وابستگی کنش

است یا خلاق؟ آیا در خدمت حفظ روابط موجود قدرت است یا در جهت دگرگون ساختن آن عمل می‌کند؟» (۷).

توجه قرار می‌دهد، تبیین به شالوده‌ی اجتماعی و تغییرات دانش زمینه‌ای و البته بازتولید آن در جریان کنش‌گفتمانی می‌پردازد.

هدف از مرحله‌ی تبیین، توصیف‌گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است؛ تبیین‌گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند؛ همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند. دانش زمینه‌ای واسطه‌ی تعیین اجتماعی و این تأثیرات است؛ به این معنا که ساختارهای اجتماعی به دانش زمینه‌ای شکل می‌دهند. و این یکی شکل‌دهنده‌ی گفتمان‌هاست و گفتمان‌ها دانش زمینه‌ای را حفظ می‌کنند یا آن را تغییر می‌دهند و این دومی باز به نوبه‌ی خود حافظ یا تغییر‌دهنده‌ی ساختارهاست. نظریه جهت‌گیری موجود در این کتاب، منظور از ساختارهای اجتماعی مناسبات قدرت است و هدف از فرآیندها و اعمال اجتماعی، فرآیندها و اعمال مربوط به مبارزه‌ی اجتماعی است. بنابراین، تبیین عبارت است از دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه‌ی اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت.

آنچه را در مورد تبیین باید گفت در قالب سه پرسش زیر مطرح می‌کنیم:

۱- عوامل اجتماعی: چه نوعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن این گفتمان موثر است؟

۲- ایده‌تولوزی: چه عناصری از دانش زمینه‌ای که مورد استفاده واقع شده‌اند دارای خصوصیات ایده‌تولوزیک هستند؟

۳- تأثیرات: جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی چیست؟ آیا این مبارزات علنی است یا مخفی؟ آیا گفتمان یاد شده نسبت به دانش زمینه‌ای هنجاری

## منابع

- ۱- بهرامپور، شعبانعلی - مقدمه گردآورنده - کتاب «تحلیل انتقادی گفتمان» نورمن فرکلاف - مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها - ۱۳۷۹
- ۲- بهرامپور، شعبانعلی «درآمدی بر تحلیل گفتمان» کتاب مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی - به اهتمام: محمدرضا تاجیک - انتشارات: فرهنگ گفتمان - ۱۳۷۸
- ۳- بهرامپور، شعبانعلی «درآمدی بر تحلیل گفتمان» کتاب مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی - به اهتمام: محمدرضا تاجیک - انتشارات: فرهنگ گفتمان - ۱۳۷۸
- ۴- بهرامپور، شعبانعلی «درآمدی بر تحلیل گفتمان» کتاب مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی - به اهتمام: محمدرضا تاجیک - انتشارات: فرهنگ گفتمان - ۱۳۷۸
- ۵- ایزدی، پیروز «تحلیل انتقادی در عمل: توصیف» کتاب «تحلیل انتقادی گفتمان» نورمن فرکلاف - مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها - ۱۳۷۹
- ۶- نیستانی، محمود «تحلیل انتقادی گفتمان در عمل: تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیل گر» کتاب «تحلیل انتقادی گفتمان» نورمن فرکلاف - مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها - ۱۳۷۹
- ۷- نیستانی، محمود «تحلیل انتقادی گفتمان در عمل: تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیل گر» کتاب «تحلیل انتقادی گفتمان» نورمن فرکلاف - مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها - ۱۳۷۹